



انجمن علمی فقه‌برزای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌برزای تطبیقی

Situational Prevention by Designing the Urban Environment (with an Emphasis on the Security-Oriented Legal System)

Ali Faramarzi Babadi¹, Mohammadreza Rahmat^{*2}

1. Ph.D. Student of Criminal Law and Criminology, Maybod Branch, Islamic Azad University, Maybod, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, University of Maybod, Maybod, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 41-53

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-4434-6954

TELL: +989124244752

Email: rahmat@meybod.ac.ir

Article history:

Received: 23 Jul 2023

Revised: 20 Nov 2023

Accepted: 02 Dec 2023

Published online: 22 Dec 2023

Keywords:

Situational Prevention, Urban Environment, Security.

ABSTRACT

The present study deals with the approach of urban environment design as a solution for crime prevention. The present study is of an applied type and the method used is also descriptive-analytical, using documentary and library sources. Urban design is a social goal through the creation of defensible spaces and seeks to have the physical structure of urban areas in such a way that care and control of the levels of different urban areas and security around houses including streets, alleys, pedestrian surfaces, communication spaces a city with various uses. This preventive approach enables people to make optimal use of the spaces they have and to benefit from a healthy and valuable life. In this preventive procedure, although the lives of citizens are significantly monitored, we also need to use care tools to achieve security and a life free from criminals. Precedence of security over freedom by raising the costs of committing crime and reducing the attractiveness of crime is the connection point of the theory of situational prevention through the design of the urban environment and the security-oriented legal system.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Faramarzi Babadi, A & Rahmat, M (2023). "Situational Prevention by Designing the Urban Environment (with an Emphasis on the Security-Oriented Legal System)". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(3): 41-53.

مقدمه

پیشگیری وضعی شکل خاصی از روش مقابله با جرایم است که به جای توجه به رفتارهای مجرمان، تنبیه و سرکوب مجرمان و یا اتخاذ قوانین سختگیرانه درصدد اعمال تغییرات در محیط زندگی افراد، از جمله محیط‌های جرم‌خیز و ایجاد ممانعت برای گرایش مجرمان به اعمال مجرمانه برمی‌آید. از این جهت پیشگیری وضعی به دنبال آن است تا با اعمال روش‌های خاصی، محاسبه عقلانی مرتکب را به نفع عدم ارتکاب به هم بریزد و با بالا بردن هزینه‌های انجام جرم، وی را از انجام عمل بزه‌کارانه بازدارد (صفاری و صابری، ۱۳۹۳: ۱۵۷). بنابراین طرفداران این دیدگاه بر این باور هستند که انجام تغییرات، ایجاد محدودیت از طریق دستکاری در محیط، محل زندگی، معابر شهری، محله‌های سکونت زندگی و رفت و آمد، می‌توان امنیت بیشتری ایجاد نمود و زمینه مناسب‌تری برای پیشگیری از جرایم فراهم می‌گردد. در دیدگاهی که بر طراحی محیط شهری به‌عنوان عاملی برای افزایش و یا کاهش جرم می‌نگرد، این ایده مطرح است که قوانین ساخت و سازهای شهری، متغیر مهمی در ارتباط با جرایم شهری محسوب می‌شوند، به‌نحوی که برای پی‌بردن به این موضوع که چرا در منطقه «الف»، جرم و بزه‌کاری شدت بیشتری گرفته است، نیازمند بررسی محیط شهری و ساخت و سازهای آن هستیم.

در اصل این موضوع که پیشگیری وضعی و تا حدی پیشگیری مبتنی بر طراحی محیطی، ممکن است منجر به اتخاذ رویکردهای امنیت‌مدار گردند، تردیدی نمی‌توان داشت، علی‌الخصوص این‌که امروزه هدف این نوع رویکردهای پیشگیرانه علی‌الخصوص پیشگیری از طریق طراحی محیطی، صرفاً منحصر به پیشگیری از جرائمی چون سرقت، دیوارنویسی و تخریب نیست، بلکه کاهش فرصت ارتکاب هرگونه جرم اعم از هواپیماربابی، کلاهبرداری، تماس تلفنی شرم‌آور، خشونت در محیط‌های عمومی و یا خانوادگی و ... را مدنظر دارند. بنابراین بایستی به ضابطه‌مند شدن روش‌های آن پرداخت تا از رهگذر اجرای آن‌ها، کمترین میزان تحدید در حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان به‌وجود آید. باتوجه به مجموع آنچه گفته شد، بر آن هستیم به بررسی وضعیت،

چالش‌ها و پیامدهای پیشگیری وضعی از جرم از طریق طراحی محیطی با نگرشی بر نظام حقوقی امنیت‌مدار بپردازیم. به‌بیان‌دیگر، باتوجه به تمایل ذاتی نظام حقوقی مبتنی بر امنیت‌مداری نسبت به نقض حقوق شهروندان و تحدید آزادی‌های اشخاص، در نوشتار حاضر، در مقام پرداختن به این مسأله اصلی هستیم که چگونه رویکردهای پیشگیرانه مبتنی بر طراحی محیطی به سوی نظام حقوقی و سیاست جنایی امنیت‌مداری سوق پیدا می‌کند.

باتوجه به ضرورت جرم‌زدایی در جامعه، نقش مهم و کم‌هزینه پیشگیری نسبت به سایر روش‌ها و همچنین با در نظر داشتن روش‌های مشارکتی برای دخالت شهروندان در تأمین امنیت خود و دیگران، پژوهش حاضر به دنبال آن است تا پیشگیری وضعی را از طریق طراحی محیط شهری مورد توجه قرار دهد. این بررسی با تأکید بر نگرش نظام حقوقی امنیت‌مدار نیز دنبال می‌شود و هدف آن است که بتوان ابعاد نظریه پیشگیری وضعی را از طریق طراحی شهری تبیین نمود.

سؤال ما در این نوشتار این است که رویکردهای پیشگیرانه مبتنی بر طراحی محیطی، در ارتباط با نظام حقوقی و سیاست جنایی امنیت‌مداری چگونه است؟ فرضیه نیز از این قرار است که اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه مبتنی بر طراحی محیطی، الزاماً به‌معنای سوق داده‌شدن نظام حقوقی و سیاست جنایی به سمت و سوی امنیت‌مداری نیست، هرچند که می‌تواند تسهیل‌کننده آن باشد.

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توانیم به موارد ذیل اشاره کنیم: کتاب «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» نوشته محمدنسل (۱۳۹۳)، مهم‌ترین اثر داخلی است که به‌طور مشخص به بحث پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی توجه نشان داده است. در این کتاب، نظریات مرتبط با دیدگاه‌های محیطی در پیشگیری از جرم مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین نویسنده نتیجه می‌گیرد که هرچند در قوانین داخلی، رویکرد خاصی در این زمینه دیده نشده است، اما اعمال برخی تغییرات در قوانین می‌تواند با تغییر محیط، کاهش جرایم را به دنبال داشته باشد. در مقاله «بررسی شاخص‌های طراحی محیطی در پیشگیری از جرم در

بررسی‌های مربوط به پیشگیری جرم، عوامل گوناگون محیطی و زیستی نیز نقش دارند. به‌طور مثال، سُرَب موجود در محیط، می‌تواند در تماس با مغز انسان و به‌طور خاص کودکان، موجب تشدید تمایل به ارتکاب جرم و بزه‌کاری شود. همچنین کاهش فرصت‌های محیطی نیز در این رابطه مؤثرند (کلارک، ۱۳۸۷: ۳۴۵). درخصوص مبانی نظری پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، سه دیدگاه جداگانه وجود دارد: اولین نظریه، منسوب به پیروان جفری به‌خصوص تیم «کرو» است. آن‌ها به‌منظور کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم در محیط‌های مسکونی شهری، پیشنهادات مؤثر و روشنی را به پلیس، طراحان شهری و همچنین معماران در ایالات متحده آمریکا ارائه کردند که بعدها به نام اختصارش، یعنی پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) معروف شد؛ دومین نظریه، نظریه فضاهای قابل دفاع است. این نظریه توسط معماری به نام «اسکار نیومن» در سال ۱۹۷۲ مطرح شد (رحمت، ۱۳۸۶: ۷۸). وی در کتابی که در همین زمینه منتشر کرد، از شکل مجتمع‌های مسکونی در آمریکا به شدت انتقاد کرد. میزان بالای جرم در فضاهای عمومی مربوط به مجتمع‌های مسکونی (به علت فرم و طراحی نامناسب آن‌ها)، همچنین رشد چشم‌گیر انبوه‌سازی مسکن، بدون توجه به مسأله تعاملات انسانی و روابط همسایگی در طراحی و معماری این‌گونه از مسکن، از مسائل مورد تأکید نیومن است؛ نظریه سوم، مربوط به پیشگیری وضعی جرم از طریق طراحی محیطی است که توسط بخش تحقیقات جرم‌شناسی دولت بریتانیا در اواسط دهه ۱۹۷۰ ارائه گردید. این نظریه، برخلاف دو مورد قبلی، در نگاه اول به معماری فضاهای ساخته‌شده نمی‌پردازد، همچنین به حملات تهاجمی به‌منظور سرقت توجهی ندارد، بلکه می‌توان ادعا کرد این نظریه، یک دیدگاه کلی به‌منظور کاهش فرصت ارتکاب هرگونه جرم اعم از هوایماریایی، کلاهبرداری، تماس تلفنی شرم‌آور، خشونت در محیط‌های عمومی و یا خانوادگی و ... ارائه شده است (رحمت، ۱۳۸۶: ۳۴۶). به‌طور کلی به‌منظور حصول کارایی در پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، استانداردها و شاخص‌های مهمی باید مورد نظر واقع گردد که ازجمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به اندازه و فرم فضا،

مجتمع‌های تجاری شهر یزد» انجام گرفت، بدین‌نتیجه رسیدند که مجتمع‌های تجاری شهر یزد از حیث شاخص‌های امنیتی در وضع مطلوبی نیستند و طراحی محیطی می‌تواند نقش مؤثری در بهبود وضعیت آنان ایجاد نماید. همچنین در مقاله «استخراج راهبردهای محیطی مؤثر در پیشگیری از جرایم براساس نظریه (CPTED) مطالعه موردی مجتمع‌های مسکونی شهر رشت» که توسط حسینی دیوشلی و کریمی آذری انجام شد، بر نقش عوامل محیطی در پیشگیری از جرم توجه نشان داده شد و نویسندگان نتیجه گرفتند که کنترل ورودی و خروجی‌ها و کنترل دسترسی نقش مهمی در پیشگیری از جرایم در مجتمع‌های مسکونی دارد. مقاله ویسی و فرهمند (۱۳۹۷)، با عنوان «نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم» نیز چنین مطرح می‌کنند که طراحی کافی و درخور و سازگار با محیط زندگی، می‌تواند با استفاده مطلوب و مناسب از فضای زندگی مسکونی صورت گیرد. در این صورت، امکان دسترسی مجرمان به شرایط مناسب برای انجام اعمال بزه‌کارانه نیز سلب می‌گردد.

وجه‌تمایز پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌ها که درواقع همان وجه نوآورانه آن می‌باشد. در وهله نخست، تبیین وجود یا عدم وجود ملازمه بین اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه مبتنی بر طراحی محیطی با امنیت‌مداری در نظام سیاست جنایی و در گام بعدی، تبیین و ارزیابی مختصات راهبردهای پیشگیرانه مبتنی بر طراحی محیطی سیاست جنایی مبتنی بر امنیت‌مداری و درنهایت، تحلیل چالش‌ها و پیامدهای مترتب بر آن و ارائه راهکارهای تعدیل‌کننده خواهد بود.

۱- شرح چارچوب نظری تحقیق

از حیث جرم‌شناختی اصطلاح «پیشگیری محیطی» یا «پیشگیری مبتنی بر طراحی محیطی» اولین بار توسط جرم‌شناسی به نام «سی. ری جفری» وضع گردید. وی این مسأله را در کتابی که در سال ۱۹۷۱ منتشر کرد، مورد بحث و بررسی قرار داد. وی معتقد بود که جامعه‌شناسان درباره دلایل اجتماعی جرم، ازجمله فقر نسبی و اثرات خرده‌فرهنگی، مبالغه زیادی کرده‌اند و به سایر عوامل تعیین‌کننده، مانند عوامل محیطی مؤثر در وقوع جرم، توجهی ندارند، درحالی‌که در

و محاسبه سود و زیان صورت می‌گیرد، اثر بگذارند و از فعلیت یافتن عمل مجرمانه پیشگیری نماید (صفاری و صابری، ۱۳۹۳: ۱۵۵). برای نیل به این مقصود، پیشگیری وضعی، نظارت‌ها را به سطح جامعه و زندگی شهروندان می‌کشاند و با دشوارساختن ارتکاب جرم از سوی مجرمین و اتخاذ روش‌هایی که ممکن است این تصور را در ذهن مجرم ایجاد نماید که انجام عمل بزه‌کارانه، منجر به شناسایی و دستگیری وی می‌شود، راه را بر مجرمان و بزه‌کاران می‌بندد. به عبارت ساده تر، پیشگیری وضعی به دنبال ایجاد شرایط برای افزایش خطر دستگیری مجرمان است (میررجبی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۸)، بدین ترتیب در پیشگیری وضعی، تغییر شرایط، اوضاع و احوال زندگی اجتماعی و همچنین بهره‌گیری از اصول ساخت و ساز شهری و نظارت‌های مکانیکی، بر روانکاو مجرمان و علل و انگیزه‌های شخصی آنان در بروز جرایم مقدم دانسته می‌شود، به علاوه این‌که در پیشگیری وضعی، شرایط بیرونی ارتکاب جرم به قدری دشوار و ناممکن می‌شود که مجرم تمایلی به انجام عمل مجرمانه ندارد و یا همواره خطر شناسایی و دستگیری را در کنار خود می‌بیند. پیش فرضی که در این رویکرد مطرح است، این‌که با جاذبه‌زدایی از جرم و دشوارساختن مسیر انجام اعمال مجرمانه، مجرم در تصمیم خود تجدیدنظر کرده و از انجام آن صرف‌نظر می‌کند، زیرا در نظریه پیشگیری وضعی، مجرم نیز فردی عاقل و انتخابگر در نظر گرفته می‌شود که ارتکاب عمل مجرمانه، نتیجه انتخاب عقلانی آن‌ها در موقعیت‌های مختلف است (صوفی زمرد، ۱۳۹۰: ۴۴). بنابراین محاسبه سود و زیان ناشی از عمل مجرمانه بسیار حائز اهمیت است. وظیفه قانون‌گذار آن است که با کاربست سازوکارهایی برای افزایش خطر دستگیری، محیط محل وقوع جرم را به نحوی سامان‌دهی کنند که مرتکب، پشیمان شود و از انجام عمل مجرمانه دست بکشد.

در نظریه پیشگیری وضعی، سازوکارهای کاهش و حذف موقعیت‌ها، از بین شرایط و بستر وقوع جرم و همچنین افزایش خطرات ناشی از ارتکاب جرم بسیار حائز اهمیت است، بدین معنا که قانون‌گذار با وضع تدابیری، هزینه‌های ناشی از ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد و سود ناشی از انجام عمل مجرمانه را نیز کاهش می‌دهد (Clarke, 1995: 91).

آسایش بصری و محیطی، سازمان فضایی و نفوذپذیری (دسترسی) و کیفیت مسکن و کاربری زمین اشاره نمود (فائد رحمتی و شمسی، ۱۳۹۲: ۶۶). شکی وجود ندارد که پیاده کردن برنامه‌های طراحی محیطی در گرو شناخت دقیق، همه جانبه و توأم با اهتمام کارگزاران نظام عدالت کیفری از یک سو و همکاری صاحبان منازل، معماران و مهندسان از سوی دیگر و همچنین تعامل آن‌ها با هم می‌باشد. فارغ از مباحث مرتبط با پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی که شرح آن‌ها گذشت، بایستی توجه داشت که امروزه ظهور مقوله‌های امنیت‌مدار و تشکیل نوع نگاه متفاوت به چرخه جنایی، گفتمان نوینی تحت عنوان امنیت‌گرایی و در یک معنای کلی تر، دانشی جدید به نام امنیت‌شناسی را ایجاد کرده و پرداختن حداکثری به مفاهیم بنیادین امنیت و تأمین آسایش و آرامش روانی شهروندان را به دنبال داشته است. امنیت‌مداری، تعبیری دوپهلوست که بر دست‌اندازی دولت نسبت به همه امور، به گونه‌ای که فراتر از چشم شهروندان باشد، تأکید می‌کند؛ به بیان دیگر، امنیت‌مداری، برداشتی یک‌جانبه و حاکمیتی از مفهوم امنیت و نادیده‌انگاشتن حقوق و آزادی‌های فردی به بهانه برقراری امنیت است. نظام حقوقی امنیت‌مدار، از طریق تصویب قوانین سختگیرانه، کاهش تضمین‌های دادرسی و اعطای گسترده اقتدار و اختیار به مقامات اجرایی، امنیت را در تقابل با آزادی قرار داده و جامعه را به سمت پلیسی‌شدن سوق می‌دهد. به طور کلی، عقیده عمومی بر این است که رویکردهای پیشگیرانه همچون پیشگیری وضعی به طور عام و پیشگیری از طریق طراحی محیطی به طور خاص، آزادی‌های فردی را (از طریق تحدید فضاهای عمومی و محیط‌های مورد نظر، با حضور عوامل و نهادهای دولتی و خصوصی متولی و متخصص تأمین امنیت و ...) محدود کرده (بابایی و نجیبیان، ۱۳۹۰: ۱۶۲) و مسیر امنیت‌گرایی در سیاست جنایی را هموار می‌نمایند.

۲- پیشگیری وضعی از جرم

پیشگیری وضعی در واقع قبل از فعلیت‌یافتن جرم انجام می‌شود و عملی پیشگیرانه است. تمرکز عمده این نظریه بر انجام اقدامات پیشگیرانه نسبت به خطرات آینده است تا از این طریق بتواند بر تصمیم‌گیری بزه‌کار که براساس عقلانیت

مجرمان را به سهولت انجام دهند. همچنانکه هدف اصلی در این دو دیدگاه بر پیشگیری است و تلاش می‌کنند تا با بالابردن هزینه‌های ناشی از انجام عمل مجرمانه و همچنین جاذبه‌زدایی از آن، مسیر انجام عمل مجرمانه را به صورت خودکار از بین ببرند و یا کاهش دهند. این رویکرد در طراحی معابر عمومی شهرها، محله‌های مسکونی، پارک‌ها، مکان‌های عمومی نظیر مجتمع‌های رفاهی و تجاری کاربرد دارد.

رویه پیشگیری وضعی از جرم و طراحی محیط شهری، هرچند در وهله اول، نوعی نظارت شدید بر زندگی شهروندان و نادیده گرفتن حریم خصوصی را به اذهان متبادر می‌سازد، اما در رویکرد حقوقی امنیت‌مدار، با تأکید بر این که آزادی‌های دموکراتیک و توسعه فناوری درهم آمیخته شده است، استفاده از فناوری‌های مکانیکی در محیط‌های شهری، نوعی مصونیت‌بخشی برای شهروندان تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، در نظریه حقوقی امنیت‌مدار این‌گونه استدلال می‌شود که مردم برای امنیت بیشتر و مصون ماندن از اعمال مجرمانه، برخی ناملایمات در زمینه‌های خاصی را می‌پذیرند (بابایی و نجیبیان، ۱۳۹۰: ۱۶۵). در این باره استدلال می‌شود که برقراری امنیت در مکان‌های عمومی نظیر پارک‌ها، ورزشگاه‌های محل برگزاری مسابقات ورزشی و هنری، معابر عمومی، پارک‌ها، فرودگاه‌ها و مجتمع‌های تجاری و تفریحی، هرچند با تعبیه دوربین، نظارت بر همه نقاط آن مکان و نادیده گرفتن حریم خصوصی شهروندان همراه است، اما در نهایت امنیت را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد، ضمن این که اعمالی که برای پیشگیری از جرم مطرح می‌شود و در زمینه طراحی محیط شهری می‌بایست به کار گرفته شوند، نقش پیشگیرانه دارند و هزینه‌های دولت و نظام حقوقی را نیز در امر دادرسی کاهش می‌دهند. مجرمان قبل از این که عمل مجرمانه را انجام دهند، خطرات ناشی از آن، از جمله شناسایی، بدنام شدن، جریمه و مجازات را نیز مشاهده می‌کنند. به طور خلاصه باید گفت که در مجرمانه صرف نظر می‌کنند. به طور خلاصه باید گفت که در این نظریات، مجموعه قواعد کلی برای بهبود نظارت در محدوده محل سکونت وجود دارد که می‌تواند در مقابله با بزه‌کاری کمک کند (کین هون، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

بنابراین در پیشگیری وضعی چنین در نظر گرفته می‌شود که مجرمان، موجوداتی عاقل، انتخابگر هستند که محاسبه سود و زیان را مبنای اعمال خود قرار می‌دهند.

نظریه انتخاب منطقی که خالق آن کلارک است، بر این باور است که مجرمان تصمیم‌گیرندگان منطقی‌اند که با انجام دادن جرم سعی در سودرسانی به خود و دفع ضرر می‌باشند. کلارک به همراه کرینش مبتکر نظریه منطقی در جرم‌شناسی هستند، گزینش معقول یکی از رکن‌های مهم پیشگیری وضعی است. با در نظر گرفتن استثنائات بسیار اندک جرم به شکل اتفاقی رخ نمی‌دهد، زیرا بزه‌کاران آماجی را به آماج دیگر ترجیح می‌دهند. آنان دست به یک گزینش معقول می‌زنند و تصمیم به ارتکاب جرم بر پایه یک ارزیابی مبتنی است، بدین ترتیب جرایم، تابعی از فرصت مناسب و تلاش برای به دست آوردن سود مادی بیشتر همراه با خطر کمتر هستند (Clarke & Cornish, 1985: 456) که بزه‌کار از رهگذر آن به هزینه‌ها (از جمله تلاش شخصی منافع و خطرها) توجه می‌کند. از این رو تدبیرهایی برای افزایش خطر و تلاش بزه‌کار و کاهش پاداش احتمالی سودمندند، در ارزیابی هزینه‌ها و منافع اشخاص به خطر دستگیری بیشتر از شدت مجازات توجه دارند. تأثیر گذاشتن بر عوامل وضعی ارتکاب جرم آسان‌تر از مبارزه با ضعف‌های بشری است. پیشگیری وضعی از جرم با آگاهی به این موضوع سعی در کاهش فرصت‌های جرم دارد.

۳- پیشگیری از جرم در بستر امنیت‌مداری

از منظر علمی و تجربه جرم‌شناسی می‌توان نتیجه گرفت که اغلب جرایم در خفا صورت می‌گیرند (اشنایدر و کچین، ۱۳۸۷: ۳۷-۳۹). بنابراین برای مبارزه با جرایم و کاهش آنان، نیازمند ارائه راهکارهایی هستیم که بتوان محدودیت‌هایی را وضع نمود که شرایط را برای عموم شهروندان شفاف و آشکار سازد و از طرف دیگر، بسترهای جرم را نیز برای مجرمان از بین ببرد. تأکید بر اصلاح و تغییر محیط زندگی وجه مشترک دیدگاه‌های پیشگیری وضعی و نظریه طراحی محیط شهری را تشکیل می‌دهند که به دنبال نظارت مکانیکی و حتی انسانی بر محیط زندگی هستند تا هم بتوانند هزینه‌های ناشی از ارتکاب جرم را بالا ببرند و هم این که فرایند شناسایی

۴- طراحی محیط شهری و پیشگیری از جرایم

پیشگیری جرم بر مبنای طراحی محیطی و جلوگیری از اعمال بزه‌کارانه و مجرمانه، اولین بار در سال ۱۹۶۹، توسط جفری مطرح شد. بر مبنای نظریه جفری، جامعه‌شناسان و کیفرشناسان به شکل افراطی و غلوآمیزی بر تأثیرات فرهنگی، خانواده، محرومیت و اصلاح مجرمان توجه نشان دادند و از عوامل محیطی غفلت کرده‌اند. در مقابل، جفری بر مواردی تأکید می‌کرد که به‌عنوان فرصتی برای مجرمین محسوب شده و باعث انجام اعمال مجرمانه از سوی آنان می‌شود. به عبارت دیگر، جرایم گوناگون به دلیل فرصت‌های محیطی رخ می‌دهند (کلانتیری و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۵). در این نظریه، پیش‌فرض این است که مجرمان، موجوداتی عقلانی و گزینشگر هستند و با محاسبه سود و زیان ناشی از عمل مجرمانه، اقدام به انجام آن می‌نمایند.

نظریه طراحی محیطی بر این باور است که با طراحی مطلوب و مناسب از محیط می‌توان از ارتکاب به عمل مجرمانه پیشگیری نمود. به عبارت دیگر، در نظریه طراحی محیطی، علاوه بر این که مانعی برای عمل مجرمانه ایجاد می‌شود، به دنبال بهبود کیفیت محیط زندگی نیز هست (محمدنسل، ۱۳۹۳: ۱۹). از این منظر، بیش از آنکه به دنبال روش‌هایی برای سرکوب مجرمان، اتخاذ قوانین سختگیرانه و یا بازاصلاح‌پذیری آنان متمرکز شویم، می‌بایست به دنبال اصلاح محیط زندگی افراد با هدف بالابردن هزینه‌های اعمال مجرمانه متمرکز باشیم. به این دلیل که جرم به دلیل شرایط و بستر لازم برای عمل مجرمانه رخ می‌دهد و نیازمند تغییر محیط برای منصرف کردن مجرمان از عمل مجرمانه هستیم، بدین ترتیب راه حل اساسی برای پیشگیری از وقوع جرم، کم کردن فرصت‌های مجرمانه است (ویسی و فرهنگ، ۱۳۹۷: ۸۹). بنابراین جرایم که ناشی از فرصت‌های موجود در محیط هستند، نیازمند پیشگیری از طریق تغییر در محیط هستند، ضمن این که طراحی محیطی از ابتدای ایجاد محیط فیزیکی و یا انجام تغییرات در آن می‌بایست به نحوی باشد که هزینه‌های ناشی از ارتکاب جرم را افزایش دهد. پس باید به فکر تغییر محیط باشیم و نه به فکر اصلاح مجرم و یا اتخاذ روش درمان برای آن.

ایده طراحی محیط شهری برای کاهش و از بین بردن فرصت برای اعمال مجرمانه، در واقع ناظر بر نقش و اهمیت کالبدی شهر در کاهش جرایم اجتماعی است که ارتباط وثیقی با اصول شهرسازی، طراحی خیابان، نورپردازی در شهرها و ... دارد. بنابراین افزایش جرم و جنایت تحت تأثیر عامل دیگری، از جمله محیط فیزیکی و اجتماعی قرار دارد. به همین دلیل، اهمیت برنامه‌ریزی، طراحی مدیریت شهری مورد توجه این دیدگاه است (خلقت‌دوست و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۰). اهمیت مکان و محیط زندگی، تا جایی است که می‌تواند باعث جلوگیری از ارتکاب جرم و یا عاملی برای گرایش به آن باشد. بنابراین هم نقش حمایتی و گرایش به اعمال مجرمانه و هم نقش بازدارنده و پیشگیرانه محیط شهری و ارتباطی که با افزایش و کاهش جرایم اجتماعی دارند، محور نظریه طراحی محیط شهری را تشکیل می‌دهند. به بیان دیگر، ظرفیت بالقوه فضاهای شهری و کالبد محیط، نقش قابل توجهی در کاهش و جلوگیری از جرایم دارند (پاک‌نژاد، ۱۳۹۳: ۵۹). بر همین اساس، نظریات منبعث از نظریه محیط شهری به دنبال آن هستند تا با طراحی محیط شهری و ایجاد فضایی برای دشوارساختن محیط زندگی برای مجرمان و بزه‌کاران، محدودیت‌های واقعی ایجاد نماید.

۵- پیشگیری وضعی در محیط شهری

پیشگیری وضعی در طراحی محیط شهری با هدف پیشگیری از جرم، نیازمند شناسایی نقاط مختلف شهرها و تلاش برای نظارت و کنترل آن‌ها می‌باشد، بدین معنا که مکان‌های عمومی و قابل استفاده برای عموم مردم شناسایی شده و ابزارهای نظارتی اعم از مکانیکی و غیرمکانیکی در آن محل‌ها به کار گرفته می‌شود، هرچند شهرها برحسب شرایط و موقعیتی که دارند، ابعاد خاص خود را دارا هستند، اما خیابان‌ها، مکان‌های عمومی و همگانی و همچنین محله‌های سکونت افراد، بخش جدایی‌ناپذیری از ساختار شهری را تشکیل می‌دهند که به تشریح پیشگیری وضعی از طریق طراحی محیط شهری در این بخش‌ها پرداخته می‌شود.

۵-۱- خیابان‌های شهری و پیشگیری وضعی

از جمله عوامل مورد تأکید در نظام حقوقی امنیت‌مدار، تلاش برای برقراری نظم و امنیت در جامعه از طریق اجرای برنامه‌ها و تدابیر سختگیرانه است که حتی می‌تواند در تعارض با آزادی شهروندان و نظارت هرچه بیشتر بر آنان تلقی شود. بنابراین مداخله دولت‌ها در نظام حقوقی امنیت‌مدار برجسته است (توجهی و برنجی اردستانی، ۱۳۹۱: ۶۷)، بدین معنا برقراری امنیت حتی در برخی از مواقع ممکن است آزادی شهروندان را نیز تحت تأثیر قرار دهد، اما بی‌توجهی به سازوکارهای برقراری امنیت به‌نوبه خود از بین‌برنده آزادی و امنیت است.

یکی از عوامل اصلی و مرتبط با پیشگیری وضعی در طراحی محیط شهری، خیابان‌های هر شهر هستند. استدلال مطرح شده این است که ایجاد خیابان‌هایی که از نظر فیزیکی و روانی باعث مانع ورود بیگانگان به آن محیط شود و راه‌های فرار را از میان بردارد، نقش مهمی در کاهش جرم ایفا می‌کند، زیرا در طراحی شهری و ارتباط آن با بروز جرایم، این مسأله حائز اهمیت است که فضاهای غیرقابل دفاع و تعریف شده، نوعی احساس آزاررسانی پدید می‌آورد که می‌تواند مشوق بروز جرایم نیز باشد (بحرینی و گلناز، ۱۳۷۷: ۲۷). بنابراین در محیط‌هایی که شیوه خاصی از زندگی جریان دارد و جرم و جنایت در آن محیط‌ها، محتمل‌تر است، ساکنان و یا افرادی که وارد آن محیط‌ها می‌شوند، تمایل بیشتر و یا امکانات بیشتری برای گرایش به بزه‌کاری دارند. ایده پیشگیری وضعی در طراحی محیطی مبتنی بر دشوارسازی و بالابردن هزینه ارتکاب جرم در خیابان‌ها و معابر شهری است.

یکی دیگر از عوامل مؤثر در پیشگیری وضعی از جرم در نظریه طراحی محیطی، نصب دوربین‌های مداربسته در خیابان‌های شهری است. بنابراین هنگامی که بزه‌کاران با مشاهده دوربین‌ها از انجام عمل مجرمانه بازداشته می‌شوند، نشانگر تأثیر این رویه بر کاهش فرصت‌های مجرمانه در محیط است، زیرا مجرمان در این شرایط، احساس خطر بازداشت کردن می‌کنند و به دنبال فرار از شدت مجازات هستند. بنابراین دوربین مداربسته می‌تواند باعث پیشگیری از جرم شود (کلارک،

۱۳۸۷: ۱۹۹). راهکار دیگر، حذف و یا بستن برخی مسیرهای عبور است که هیچ نقطه روشنی ندارند و برحسب تجربه نیز در زمره مناطق جرم‌خیز به‌شمار می‌آیند، به این دلیل که اگر راه‌ها از مکان‌های متروکه و خالی از سکنه عبور نمایند، مجرمان از این مسیرها برای تسهیل جرم و فرار احتمالی بهره می‌برند و این عاملی برای افزایش جرایم است.

۵-۲- نورپردازی شهری و پیشگیری از جرم

یکی دیگر از عوامل مؤثر در طراحی شهری، نورپردازی است. نورپردازی متناسب با وضعیت مکانی می‌بایست به‌نحوی باشد که ایجاد سایه نکند، زیرا این امر باعث عدم شناسایی غریبه‌ها و رفتارهای آنان در مواقع تاریکی می‌شود. علاوه بر این، چنین نقاط کوری برای مجرمان می‌تواند نقش اختفاء را نیز ایجاد نماید (رفیعیان و سیفای، ۱۳۸۴: ۳۹). بنابراین طراحی محیط می‌بایست به‌نحوی باشد که بتواند باعث کاهش استرس افراد جامعه و بهبود کیفیت زندگی آنان منجر شود (جیسون و ویلسون، ۱۳۸۷: ۴۸). در این رویکرد، طراحی شهری باعث جلوگیری از جرایم می‌شود و در طراحی محله‌ها می‌بایست نسبت به این موضوع توجه خاصی نشان داد. اثرات رفتاری می‌تواند ترس و وحشت از جرم را کاهش دهد و سطح کیفیت زندگی را بالا ببرد. به‌طور مشخص درباره طراحی شهری مبتنی بر روشنایی، می‌توان گفت که روشنایی بیشتر و کافی در شهر باعث احساس امنیت بیشتر می‌شود و مردم را به حضور بیشتر در محیط تشویق می‌کند. در سوی مقابل، بعد از تاریکی هوا، فرصت نظارت کمتر می‌شود و امکان وقوع جرم به‌دلیل دیده‌نشدن از سوی مجرمان نیز بیشتر می‌شود (Brantingham & Brantingham, 1975: 13)، بدین ترتیب روشنایی به‌عنوان گونه‌ای از نظارت مکانیکی می‌تواند با ایجاد فضای امن بهبود فرصت نظارت و افزایش کنترل اجتماعی غیررسمی این تصور را در ذهن مجرمان ایجاد کند که ارتکاب جرم در فضا دیده خواهد شد. در نتیجه روشنایی می‌تواند با برهم‌زدن معادلات سود و زیان مجرم از ارتکاب جرائم جلوگیری کند. علاوه بر این محیط ایمن، باعث آزادی حرکت شهروندان و تعامل راحت آنان با یکدیگر می‌شود و هم به‌صورت عینی و هم به‌صورت درک و احساس امنیت، به بهبود زندگی فردی و اجتماعی کمک می‌

که شیوه زندگی برخی محله‌ها را نوعی چالش اخلاقی با سایر طبقات جامعه می‌دانند که اغلب بزه‌کاری‌های اجتماعی در آن مناطق رخ می‌دهد و این‌ها همان طبقات فرودست هستند (والک لیت، ۱۳۸۶: ۹)، به‌علاوه این‌که اکثریت اعضای جامعه، این طبقه را در حقیقت جزء اعضای جامعه به شمار نمی‌آورند و آن‌ها را به شکل دیگری می‌بینند که وجودشان خطر بزرگی در امنیت و توسعه جامعه محسوب می‌شود. بنابراین کاربست ابزارهای نظارتی و پیشگیرانه، از جمله استفاده از وسایل مکانیکی نسبت به عدم وقوع جرایم اقدام نمود.

بر مبنای این مؤلفه، ریشه جرایم و بزه‌کاری‌های اجتماعی را باید در خانه‌های مسکونی نامناسب جستجو کرد. بنابراین خانه‌های مسکونی که در محله‌های نامناسب بنا شده است، نقش مهمی در بزه‌کاری اجتماعی ایفا می‌کنند. همچنانکه بیشترین آمار مربوط به بزه‌کاران در مناطق پست می‌باشد (صالحی، ۱۳۸۷: ۱۹۷). بنابراین راه حل اساسی برای مبارزه با بزه‌کاری و جرایم آن است که نسبت به اصلاح محیط‌های مسکونی اقدام گردد. به این دلیل که اعضای این طبقه، توان تطبیق خود با هنجارهای جامعه را ندارند، همیشه در حاشیه و انزوای اجتماعی هستند و نمی‌توانند با سایر اعضای جامعه متحد شوند، فرهنگ خشونت در میان آن‌ها ریشه دوانده و حتی توانایی برقراری نظم در میان خود را ندارند، آن‌ها نمی‌توانند هیچ‌گاه شغل دائمی، ولو به‌عنوان یک نیروی کار ذخیره داشته باشند (Irwin, 1985: 9). مهم‌تر این‌که، جرایم و بزه‌کاری اجتماعی در میان این طبقات به شدت رواج دارد و اغلب جرایم در این مناطق فقیرنشین به وقوع می‌پیوندد. برای مبارزه با جرایم اجتماعی، می‌بایست توجه خاصی نسبت به اصلاح این مناطق ابراز داشت و با به‌کارگیری روش‌های مختلف، مانند نصب دوربین، شفاف‌ساختن محلات از طریق نورپردازی و شناسایی این مناطق، از بروز سایر جرایم پیشگیری نمود. ارتباط این مؤلفه با نظام حقوقی امنیت‌مدار آن است که حکومت‌های امنیت‌مدار از طریق ایجاد و اجرای این نیم‌رخ‌ها، دوربین‌های امنیتی و نظارتی خود را در اماکن عمومی، فرودگاه‌ها، خیابان‌ها، جاده‌ها و ... قرار داده و به دیده بانی می‌پردازد تا بتواند مردم را قانع گرداند که به امنیت

نماید. خطر و ترس، معمولاً باعث محدودیت حرکت ما در شهر می‌شوند و باعث کاهش کیفیت زندگی ما می‌شوند (محمدنسل، ۱۳۹۳: ۲۳). در این صورت، به جای این‌که پلیس و یا نهادهای قضایی، درصدد تأمین امنیت بریابند، چشم‌های شهروندان و بالابردن خطر ارتکاب جرم از سوی مجرمین باعث پیشگیری از وقوع جرم می‌شود.

پیشگیری از جرم با ایجاد روشنایی و تلاش برای هرچه بیشتر دیده‌شدن عمل مجرمانه قابل انجام است و به‌واسطه اصول پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) محقق خواهد شد، یعنی زمانی که طراحی مکان‌ها، معابر و خیابان‌ها مناسب‌تر شوند، مناطق مختلف با مواجهه با جرائم خطرناک، از جمله سرقت‌های خیابانی و تروریسم آدم‌ربایی می‌تواند از طریق اعمال اصول پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در برابر تهدیدات این‌گونه جرائم امن‌تر شوند. بر مبنای اصول پیشگیری وضعی در دیدگاه طراحی محیط شهری، روشنایی کافی برای مردم لازم است تا دیده شوند و پدیده‌های اجتماعی نیز راحت‌تر قابل مشاهده باشند (مرصوصی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸). این موضوع از منظر امنیتی، باعث ایجاد ترس و نگرانی در میان مجرمان می‌شود و تمایل آنان را به انجام عمل مجرمانه در آن محیط کاهش می‌دهد. در این زمینه، حتی مطرح شده است که سطح اساسی روشنایی باید به‌نحوی باشد که چهره افراد در فاصله حدود ۱۰ متری در یک دید معمولی قابل شناسایی باشد (National Crime Prevention Council, 2003: 360). به‌علاوه این‌که روشنایی بیشتر، اطمینان خاطر بیشتری برای سایر شهروندان ایجاد می‌کند و آن‌ها به‌صورت فعالانه در خیابان‌ها حضور دارند و از «خلوت‌بودن» به‌عنوان یکی از زمینه‌های بروز جرم جلوگیری می‌کنند، زیرا مجرمان در شرایطی که فضا را خلوت ببینند، تمایل بیشتری به انجام عمل بزه‌کارانه پیدا می‌کنند.

۵-۳- کنترل معابر مناطق مسکونی

بخش دیگری از نظریه طراحی شهری بر مبنای محیطی است که خانه‌ها در آنجا بنا شده است. این موضوع در ارتباط با کیفیت مسکن ساخته شده و محله‌ای است که خانه در آنجا بنا شده است. ریشه این رویکرد، جغرافیایی است، بدین معنا

وجود دارد، بهره‌مندی از روش‌های کنترل محیطی برای کاهش اعمال مجرمانه مورد توجه است و با تقدم دادن امنیت بر زندگی خصوصی شهروندان، به دنبال ایجاد سازوکاری پیشگیرانه است. به همین دلیل، بهره‌گیری از وسایل و ابزارهایی که بتواند نظارت بر اماکن و معابر عمومی را افزایش داده و منجر به شفافیت بیشتر شود، راهکاری پیشگیرانه محسوب می‌شود، زیرا در معابر عمومی، شناسایی افراد و رؤیت‌پذیری موجب امنیت خاطر بیشتر شهروندان می‌شود (مرصوصی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۸)، بدین معنا که در معابر عمومی و محیط‌هایی که تحت نظارت بیشتر قرار می‌گیرند، ترس از بازداشت و شناسایی اعمال مجرمانه افزایش پیدا کرده و زمینه برای انجام بزه‌کار و جرم کاهش می‌یابد.

کنترل دسترسی یکی از مفاهیم اصلی در طراحی محیط شهری می‌باشد که بر کاهش فرصت‌های مجرمانه متمرکز است که اصولاً برای کاهش قابلیت دسترسی انجام جرائم کاربرد دارد. بالابردن افزایش دسترسی و نه شیوه‌های طبیعی یا غیررسمی مثل (تعریف فضا) رسمی یا سازمان یافته (مانند استخدام نگهبان) و مکانیکی (مانند قفل‌ها و آیفون‌های تصویری) می‌باشد. تحقیقات نشان داده که مناطقی که دارای ورودی‌ها و دسترسی نامنظم و بی‌قاعده می‌باشند، نسبت به مناطقی که دارای ورودی و دسترسی محدود هستند، جرائم بیشتر را تجربه می‌کنند (Brantingham & Brantingham, 1975: 20). بنابراین اصل کنترل معابر (کنترل دسترسی)، هم به عنوان نوعی محدودیت بر سر راه مجرمان و بزه‌کاران محسوب می‌شود که می‌تواند نقش پیشگیرانه مؤثری در گرایش به اعمال مجرمانه داشته باشد.

۵-۴- طراحی پارک‌ها بر مبنای ایده فضاهای قابل دفاع

پارک‌ها، از جمله مهم‌ترین مکان‌های تفریحی هر شهری هستند که نیازمند امنیت بالا و محیطی امن برای گذراندن اوقات فراغت شهروندان هستند. طراحی محیط شهری در موضوع پارک‌ها می‌بایست به نحوی باشد که امکان دیده شدن و دیدن در آن‌ها بسیار بالا باشد تا زمینه کمتری برای اعمال مجرمانه در آنان وجود داشته باشد (Schweitzer et al., 1999: 11). این بدان معنا نیست که در طراحی پارک‌ها،

شهروندانش توجه کافی دارد. بنابراین دولت در رویکرد امنیت مدار، با نگاهی فراگیر و همه‌جانبه، به پدیده‌های عادی، همه چیز را تحت نظارت و مدیریت خود قرار می‌دهد (Rose, 2002: 185).

یکی دیگر از موضوعات اثرگذار در پیشگیری وضعی، اصل کنترل معابر عمومی و یا محله‌هایی است که توانایی ارتکاب جرم در آنان بسیار بالا است. به این معنا که مناطق و محله‌هایی که دارای ورودی و دسترسی نامنظم و بی‌قاعده هستند، در مقایسه با مناطقی که دارای ورودی و دسترسی محدود هستند، جرایم بیشتری را تجربه می‌کنند (Brantingham & Brantingham, 1975: 20). این شیوه از طراحی مبتنی بر دور ساختن محیط‌ها از احتمالاتی است که می‌تواند منجر به بزه‌کاری و جرم شود. به عنوان مثال، یکی از فرضیات در این زمینه آن است که خانه‌هایی که در ابتدای ورودی‌های محله‌ها قرار دارند، امکان سرقت بیشتری نسبت به سایر خانه‌های احداث شده در آن محل از آنان وجود دارد یا این که استدلال شده است که اگر ساختمانی بیش از یک درب داشته باشد، امکان ایجاد جرم در اطراف و داخل آن توسط مجرمان بیشتر است، زیرا افراد غریبه امکان دسترسی بیشتری به ساختمان دارند و کار نظارت بر ورودی‌ها دشوارتر می‌شود. بنابراین ساکنان، دسترسی کاملی به تمام درب‌ها نداشته و متوجه ورود و خروج افراد نیستند (اشنایدر و چیکین، ۱۳۸۷: ۵۶). در این صورت، عدم نظارت محیطی، زمینه‌ای برای بروز جرایمی نظیر سرقت، تخریب اموال و یا تهدید ساکنان آن محل خواهد شد.

اما ممکن است روش‌های پیشگیرانه‌ای نظیر کنترل معابر برای کاهش جرم، در تعارض با اصل حفظ حریم خصوصی افراد باشد. به عنوان مثال، ممکن است شهروندان عادی و نه بزه‌کاران و مجرمان، این شیوه از کنترل را در تعارض با حفظ حریم خصوصی خود تلقی نمایند. همچنانکه در اغلب نظام‌های حقوقی، مداخله در زندگی افراد اعم از استفاده از ابزارهای فیزیکی و یا وسایل نشر اطلاعات عملی ناصحیح است (نمک‌دوست تهرانی، ۱۳۸۵: ۲۰۱). اما در نظام حقوقی امنیت‌مدار، به دلیل حساسیت بالایی که برای تأمین امنیت

تلاش برای جذابیت‌زدایی از جرم، افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم، کاهش سود آن، شناسایی مجرمان در نزد عموم مردم و همچنین بهره‌مندی از روش‌های جدید تکنولوژیکی و الکترونیکی برای رصد محله‌ها و محیط شهری است، بدین ترتیب پیشگیری وضعی از طریق طراحی محیط شهری، با نظریه نظام حقوقی امنیت‌مدار پیوند می‌خورد، بدین معنا که برای تحقق امنیت بیشتر شهروندان، نیازمند رصد مؤثر و فراگیر و استفاده از روش‌هایی هستیم که پارک‌ها، معابر عمومی، مکان‌های عمومی و پرتردد، محله‌های مسکونی و ... تحت کنترل مستقیم و غیرمستقیم نظام حقوقی درآورده شوند. در این صورت، گرایش مجرمان به عمل مجرمانه کاهش یافته و زمینه برای بهبود زندگی سایر افراد جامعه نیز فراهم می‌شود.

بر مبنای نتایج پژوهش حاضر، پیشنهادات زیر می‌توانند کاربرد نظریه پیشگیری وضعی بر مبنای طراحی محیط شهری را به ما نشان دهند: ورودی و خروجی ساختمان‌ها باید از خیابان قابل‌رؤیت باشد. از نور کافی برای جلوگیری از فعالیت مزاحمان استفاده شود. خانه‌ها و آپارتمان‌ها و متعلقات آن مثل پارکینگ‌ها، فضاهای ورزشی در وضعیتی باشند که امکان نظارت بر آن‌ها آسان باشد. درب‌های خروجی باید محکم و دارای هسته فلزی باشند. دیوارهای ساختمان‌ها نباید نفوذپذیر باشند و حتی‌المقدور از اجسام سخت محکم در احداث آن‌ها استفاده شود. امکان رؤیت‌پذیری ساختمان‌ها تا جایی که اخلاق اسلامی اجازه می‌دهد، قابلیت رؤیت‌پذیری داشته باشند. برای درب‌ها از شیشه‌های رفلکس و دوجداره استفاده شود تا از داخل منزل امکان رؤیت‌پذیری به سهولت انجام پذیرفت و از بیرون داخل ساختمان غیرقابل‌رؤیت باشد. تمام سکونتگاه‌ها باید دارای قفل‌های ایمنی و درب آپارتمان‌ها چشمی داشته باشد. محل بازی کودکان از پنجره‌ها به آسانی قابل‌دید باشد. خیابان‌ها باید دارای عرض کافی برای گشت‌زنی پلیس باشد. محل بازی کودکان باید به‌گونه‌ای باشد که بتوان به راحتی بازی آن‌ها را مشاهده کرد. محل پارک خودروی ساکنان در بیرون از خانه باید در جایی باشد که بتوان از درون خانه، خودرو را دید. فضای بدون کاربری و خالی از سکنه را راحت بتوان تعریف کرد. راه‌های قابل‌دسترسی را حتی‌المقدور

حصاری بلند در اطراف آنان کشیده شود، بلکه با تعبیه دوربین در شبانه‌روز، استفاده از نگهبانی‌های هوشمند انسانی و غیرانسانی و همچنین نصب دوربین در نقاط کور پارک‌ها بتوان زمینه را برای انجام عمل بزه‌کارانه و مجرمانه به حداقل رساند. هنگامی که طراحی شهری در زمینه پارک‌ها مبتنی بر شفافیت (دیدن و دیده‌شدن) هرچه بیشتر باشد، توان و پتانسیل پارک، برای انجام عمل مجرمانه در آن کم می‌شود. این ایده به‌صورت آشکار، جذابیت جرم را در نزد بزه‌کار کاهش داده و هزینه‌های ناشی از انجام آن عمل مجرمانه را افزایش می‌دهد، به‌علاوه این‌که، با بهره‌گیری از روش‌های نظارت و کنترل بر محیط پارک‌ها، می‌توان محیط را تحت کنترل ساکنان آن درآورد (Newman, 1973: 31)، بدین معنا که شهروندان و بهره‌وران پارک‌ها، بدون این‌که نیازی به مداخله حضوری پلیس و یا عوامل انتظامی شهرها داشته باشند، ابزارهای قوی و کارآمدی را جهت برقراری امنیت مشاهده کرده و از آنان بهره می‌برند. همچنانکه تعبیه ابزارهای الکترونیکی و انسانی برای نظارت کامل بر محیط پارک، نوعی مصون‌سازی محیط برای شهروندان، دشوارکردن انجام عمل مجرمانه و افزایش ردیابی مجرمان را فراهم می‌سازد.

نتیجه‌گیری

مزیتی که نظریه پیشگیری وضعی دارد و از طریق طراحی محیط شهری قابل حصول است، حرکت به سمت آشکارسازی مجرم و عمل مجرمانه است، بدین معنا که اعمال مجرمانه به طور قابل‌توجهی در محیط‌هایی رخ می‌دهند که نظارت محسوسی بر آنان وجود ندارد. این نظریه در تقابل با ایده‌ای قرار می‌گیرد که مجرم را به‌عنوان بیمار در نظر می‌گیرد و با این استدلال که نباید برچسب بخورد، او را در جامعه به حال خود گذاشته تا درمان شود و روش بهنجاری پیشه کند. ایده پیشگیری وضعی به‌طور قابل‌توجهی، امنیت را بالارزش‌تر از آزادی می‌داند و برای آنکه بتواند امنیت و مصونیت را برای شهروندان به ارمغان بیاورد، خواهان نظارت و کنترل بیشتر بر زندگی شهروندان می‌شود که البته هدف اصلی آن، بالابردن هزینه‌های ناشی از ارتکاب عمل مجرمانه است. بنابراین آنچه به‌عنوان محور نظریه پیشگیری وضعی قابل بیان است،

- پاک‌نژاد، نوید (۱۳۹۳). «برنامه‌ریزی فضاهای امن شهری با رویکرد CPTED (نمونه موردی محله آبک گلابدره واقع در منطقه یک شهرداری تهران)». نشریه معماری و شهرسازی هفت شهر، ۴(۴۷): ۵۸-۶۹.

- توجهی، عبدالعلی و برنجی اردستانی، مرجان (۱۳۹۱). «بررسی جایگاه امنیت‌گرایی در سیاست کیفری ایران و امریکا». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱(۲): ۶۷-۹۱.

- جیسون، سوزان و ویلسون، پل (۱۳۸۷). طراحی محیطی جرم‌ستیز. ترجمه محسن کلانتری و ابوذر سلامی، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.

- خلقت‌دوست، روزبه؛ زمانی مقدم، افسانه و شمس‌آبادی، سیده‌طناز (۱۳۹۲). «رابطه سازمان فضایی و نفوذپذیری شهر با میزان امنیت اجتماعی از نظر شهروندان براساس مدل CPTED. مطالعه موردی شهر کرج». فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، ۵(۳): ۵۱-۶۰.

- رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴). «فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی؛ مجله شهرداری‌ها». نشریه هنرهای زیبا، ۲۳: ۳۵-۴۲.

- صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷). ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.

- صفاری، علی و صابری، راضیه (۱۳۹۳). «ضوابط حقوقی جرم‌شناختی پیشگیری وضعی از جرم». فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۱(۸): ۱۴۵-۱۸۰.

- صوفی زمر، محسن (۱۳۹۰). «نقض حریم خصوصی و چالش‌های پیشگیرانه فراروی پلیس در نظارت ویدئویی». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۶(۲۱): ۳۹-۶۸.

- کلارک، رونالد (۱۳۸۷). «نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی». ترجمه محمدحسین جعفریان، فصلنامه مدیریت انتظامی، ۳(۳): ۳۴۴-۳۵۶.

مسدود کنیم. به دست‌اندرکاران پیشگیری (معماران، انبوه‌سازان، پلیس و ...) آموزش‌های لازم داده شود. برای ساختمان‌ها شناسنامه قرار دهیم. از تابلوهای تبلیغاتی بالای پل‌ها جلوگیری کنیم. در تخصیص مکان‌ها به عمومی یا خصوصی از موانع نمادین یا واقعی استفاده شود. بر روی راه‌پله‌ها، آسانسورها اقداماتی لحاظ شود که امکان رؤیت از بیرون وجود داشته باشد. در ایستگاه‌های اتوبوس امکان نظارت را افزایش دهیم و از درهای آهنی که امکان رؤیت داخل ایستگاه را کاهش می‌دهد، خودداری کنیم، میله آهنی جایگزین شود. دوربین‌های پیشرفته ثابت و سیار در معابر عمومی، پارک‌ها، مجتمع‌های تجاری و رفاهی به کار گرفته شود تا هزینه‌های ناشی از ارتکاب جرم به‌طرز محسوسی بالاتر رود.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسنده اول به‌عنوان نویسنده اصلی و نویسنده بعدی به‌عنوان نویسنده مسؤوول می‌باشند.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اشنايدر، ريچارد و كيچين، تد (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی شهری برای پیشگیری از جرم. ترجمه فرزانه سجودی، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.

- بابایی، محمدعلی و نجیبیان، علی (۱۳۹۰). «چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم». مجله حقوقی دادگستری، ۷۵: ۱۴۷-۱۷۲.

Safer Society: Strategic Approaches to Crime Prevention, Crime and Justice.

- Irwin, J (1985). *The Jail: Managing The Underclass in American Society*. California: University of California Press.

- Newman, O (1973). *Defensible Spaces: People & Design in Violent City*. Princeton: Architectural Press.

- Rose, W (2002). "Crimes of Color: Risk, Profiling, and the Contemporary Racialization of Social Control". *International Journal of Politics, Culture and Society*, 16(2): 179-205.

- Schweitzer, J; Kim, J & Mackin, J (1999). "The Impact of the Built Environment on Crime and Fear of Crime in Urban Neighborhood". *Journal of Urban Technology*, 6(3): 59-73.

ج. سایت

- <https://www.ncpc.gov.sg> (National Crime Prevention Council).

- کلانتری، محسن و توکلی، مهدی (۱۳۸۶). «شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم‌خیز شهری». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۲(۲): ۷۵-۱۰۰.

- کین هون، تین (۱۳۸۵). «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی تین کین هون». ترجمه علی سلطانی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱(۱): ۹۷-۱۵۰.

- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۹۳). *پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی*. تهران: انتشارات میزان.

- مرصوصی، نفیسه؛ صفرعلی‌زاده، اسماعیل و حسین‌زاده، رباب (۱۳۹۳). «نقش طراحی محیطی در پیشگیری از وقوع جرایم شهری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر اصفهان)». فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۵(۱۰): ۱۱۱-۱۲۴.

- میررجبی، علی؛ هادی‌تبار، اسماعیل و قدسی، سیدابراهیم (۱۴۰۰). «چالش‌های پیشگیری وضعی از فساد قضایی با تمرکز بر شفافیت و نظارت». فصلنامه علمی مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۷(۶۲): ۲۷-۴۲.

- نمک‌دوست تهرانی، حسین (۱۳۸۵). «اخلاق حرفه‌ای، حریم خصوصی و حق دسترسی به اطلاعات». مجله رسانه، ۱۷(۲): ۱۹۷-۲۳۲.

- والک لیت، ساندر (۱۳۸۶). *شناخت جرم‌شناسی*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

- ویسی، میثم و فرهنگ، مجتبی (۱۳۹۷). «نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم». فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، ۴(۳): ۸۷-۹۳.

ب. منابع انگلیسی

- Brantingham, P & Brantingham, P (1975). "Residential Burglary and Urban Form". *Urban Studies*, 12(3): 273-284.

- Clarke, R & Cornish, D (1985). *Crime Control in Britain: A Review of Policy Research*. Albany: State University of New York Press.

- Clarke, R (1995). *Situational Crime Prevention*. In: Michael Tonry and David P. Farrington [eds], Vol.19, Chicago: Building a